



چرایی گسترش ناتو به محور آسیای مرکزی - قفقاز جنوبی پس از جنگ سرد*

حسن عیوض زاده اردبیلی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۷/۱۳ و تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۱۲/۱۴)

چکیده

با فروپاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد، ناتو به عنوان اتحادیه بازمانده از معادلات سیاسی و ایدئولوژیک جنگ سرد در جهت حفظ موجودیت و بقای خود سازوکارهایی را برای توسعه خود، چه به لحاظ جغرافیایی و چه به لحاظ کارکردی، شکل داد. توسعه حضور ناتو در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی در جریان تداوم همین روند معنا می‌یابد. با توجه به دیدگاه سازه‌نگاری و چهارچوب نظام امنیتی همکاری‌جویانه، اتحادیه ناتو به دلیل حفظ موجودیت خود پس از جنگ سرد و ترویج ثبات در محیط‌های امنیتی مجاور خود دامنه حضور خود و فعالیت‌هایش را به محور جغرافیایی - راهبردی آسیای مرکزی - قفقاز جنوبی گسترش داد.

کلید واژگان: ناتو، مدل‌های امنیتی، آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی.

* این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی «چرایی گسترش ناتو در محور آسیای مرکزی و قفقاز» است که با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان انجام شده، به این وسیله از این معاونت محترم تشکر و قدردانی می‌شود.

** عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، گروه علوم سیاسی، زنجان، ایران.

مقدمه

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و به تبع آن پایان یافتن جنگ سرد، محور جغرافیایی - راهبردی مهم قفقاز جنوبی - آسیای مرکزی نقشی مهم در معادلات جهانی قدرت ایفا نموده است. از این نظر، و با توجه به خلأ قدرت ناشی از فروپاشی شوروی از یک سو، و ضعف‌های ساختاری روسیه در زمینه‌هایی چون سرمایه‌گذاری، ارتباطات و حمل و نقل، در سالهای آغازین دهه ۱۹۹۰ میلادی، از سوی دیگر، برخی از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به توسعه نفوذ خود در محور مذکور پرداختند. در این میان سازمان پیمان آتلانتیک شمالی - ناتو - به عنوان تنها اتحادیه سیاسی - نظامی بر جای مانده از رقابت‌های سیاسی - ایدئولوژیک دنیای دوقطبی و به عنوان مجمع کارگزاران امنیتی غرب به تدریج و در راستای تکوین و بازسازی هویت خود در نظام نوین بین‌المللی، رویکرد گسترش به سوی شرق را سرلوحه راهبردهای خود قرار داد. بدین لحاظ، محور قفقاز جنوبی - آسیای مرکزی نیز در راستای این روند قرار گرفته است حال، این نوشته در صدد پاسخ به این پرسش اساسی است که: چرا اتحادیه ناتو پس از جنگ سرد به مناطق قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی گسترش یافته است؟

بدین ترتیب و در پاسخ به این پرسش فرضیه مورد نظر آن است که متعاقب پایان یافتن جنگ سرد، اتحادیه ناتو در جهت حفظ موجودیت و بقای خود در فضای سیاسی - امنیتی پس از جنگ سرد به دلیل ترویج ثبات در محیط‌های امنیتی مجاور خود، دامنه حضور و فعالیت‌های خود را به محور آسیای مرکزی - قفقاز جنوبی گسترش داد. از این نظر متغیر وابسته گسترش ناتو به آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، و متغیر مستقل، ترویج ثبات در محور مذکور است. روش انجام این مقاله نیز کتابخانه‌ای (تحلیل محتوا) است.

در نهایت باید ذکر کرد که این مقاله مشتمل بر پنج بخش است. در بخش اول و پس از مقدمه چهارچوب نظری بحث، یعنی دیدگاه سازه‌نگاری و نظام امنیت همکاری‌جویانه ارائه می‌شود. در بخش دوم مطالبی مختصر در خصوص گسترش ناتو پس از جنگ سرد ذکر می‌شود. بخش سوم به مدل‌های امنیتی ممکن و بالقوه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی پرداخته می‌شود. در بخش چهارم گسترش ناتو به آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی حول سه محور سازوکارهای نهادی، سازوکارهای اجرایی و عملیاتی، و سازوکارهای برنامه‌ریزی مورد ارزیابی و تحلیل قرر می‌گیرد و در نهایت در بخش پنجم جمع‌بندی به

۱. مبانی نظری

تبیین چرایی گسترش ناتو به شرق، نیازمند توسل به دیدگاه‌های نظری خاصی می‌باشد. در این ارتباط و با توجه به تحولات نظریه‌های روابط بین‌الملل پس از دوره ایستای جنگ سرد و دنیای دوقطبی، می‌توان مبانی تئوریک و سیستمیک گسترش ناتو را بر مبنای دیدگاه سازه‌انگاری^۱ و نظام امنیت همکاری جویانه مورد ارزیابی قرار داد.

الف. رویکرد سازه‌انگاری

دیدگاه سازه‌انگاری در مقابل دیدگاه‌ها و جریان‌های اصلی حاکم بر روابط بین‌الملل، کانون بحث خود را از سطوح شناخت‌شناسی به سطوح هستی‌شناختی انتقال می‌دهد (۱). مبادی اصلی دیدگاه سازه‌انگاری منتسب به مسئله جامعه‌شناسی شناخت است. جامعه‌شناسی شناخت با طرح ساخت اجتماعی واقعیت^۲ مبین آن است که «جهان چیزی تلقی می‌شود که ساخته و ابداع شده و نه چیزی که بتوان آن را طبیعی، مسلم، یا موجودی از قبل داده شده فرض کرد» (۲). به موازات این مسئله دیدگاه سازه‌انگاری نیز مبین آن است که «نحوه شکل‌گیری جهان مادی در اثر کنش و واکنش بشر، و نیز نحوه شکل‌پذیری کنش و واکنش بشر از جهان مادی بستگی به تفاسیر پویای هنجاری و شناختی انسان‌ها از جهان مادی دارد.» (۳) سازه‌انگاری علاوه بر بعد مادی، بر بعد معنایی حیات اجتماعی که مشتمل بر معانی، انگاره‌ها، قواعد، رویه‌ها و هنجارها می‌باشد نیز توجه دارد. از دید سازه‌انگاران، ساختار بین‌المللی در بر گیرنده منابع و قواعد است. از دید آنان، قواعد بر دو نوع تنظیمی^۳ و تکوینی^۴ می‌باشد؛ بر این اساس، عدم اجرای قواعد اول منجر به مجازات، و عدم اجرای قواعد نوع دوم منجر به فهم ناپذیری

^۱ - Constructivism

^۲ - Social Construct of Reality

^۳ - Regulatory

^۴ - Constitutive

کنش می‌گردد. (۴) به عبارت دیگر قواعد نوع اول مبنای استاندارد بودن رفتارها، و قواعد نوع دوم مبنای معنا بخشی آنان قلمداد می‌گردند (۵).

مهمترین فرض‌های هستی‌شناختی دیدگاه سازه‌انگاری به شرح ذیل می‌باشند:

(۱) بر ساخته بودن^۱ هویت و اهمیت ساختارهای معنایی در آن؛ بر این اساس هویت کنشگران مفروض و ثابت نبوده، و محصول ساختارهای اجتماعی بیناذهنی است (۶). در واقع، هویت‌های اجتماعی برداشت‌های خاصی از خود را در رابطه با سایر کنشگران نشان می‌دهند و از این طریق منافع خاصی تولید کرده و به تصمیمات سیاستگذاری شکل می‌دهند. از این نظر، هویت در تعامل بین خود و دیگری با توجه به برداشت، تفاسیر و تصورات موجود از دیگری شکل می‌گیرد (۷).

(۲) رابطه کارگزار - ساختار؛^۲ از این نظر کارگزار و ساختار بصورت متقابل قوام می‌یابند. این فرض به نظریه ساختاریابی^۳ مطروحه توسط آنتونی گیدنز^۴ باز می‌گردد. گیدنز با فرارفتن از دوگانه‌انگاری^۵ کارگزار و ساختار، بر این باور است که ساختارهای اجتماعی، ساخته کارگزاری انسان هستند، ولی در عین حال ابزار وسیله این ساخت نیز هستند (۸). در کل و براساس این فرض هستی‌شناختی، اعمال اشخاص/کنشگران به جامعه قوام می‌بخشد و جامعه نیز به اشخاص/کنشگران (۹).

(۳) نقش هویت در شکل دادن به منافع؛ از این نظر هویت و منافع در سیاست بین‌الملل پایدار نبوده و دارای سرشتی از پیش داده شده نیستند. این مسئله، همچنانکه در مورد هویت دولت - کشورهای دارای حاکمیت صادق است، برای هویت آنارشی بین‌المللی نیز صادق است. مسئله مهم آن است که هویت‌ها و منافع چطور بر ساخته می‌گردند و چطور آنها از طریق تعاملات بین‌المللی مشخص شناخته می‌شوند (۱۰). بدین لحاظ، جریان‌های موجود در عرصه تعاملات بین‌المللی، هنجارها را به عنوان معیارهایی برای منافع عقلانی و خردمندانه واحدهای سیاسی مستقل تلقی می‌کنند و این هنجارها هستند که براساس

¹ - Constructedness

² - Agent - Structure

³ - Structuration

⁴ - Giddens

⁵ - Dualism

آنها منافع صورت عینی به خود می‌گیرد (۱۱)؛ چرا که سازه‌انگاری در ارتباط با فهم و تبیین هنجارهایی در قلمرو بین‌المللی عمل می‌کنند و تکوین آن قلمرو و بوسیله این هنجارها است. (۱۲) در این راستا همچنین باید خاطر نشان نمود از آنجا که سازه‌انگاران بر این باورند که روابط بین‌الملل، در وهله اول، در بر گیرنده حقایق اجتماعی^۱ است که فقط با موافقت انسان ایجاد می‌شوند، (۱۳) بنابراین تنها توافق کارگزاران، حقایق عینی دنیای سیاست را شکل می‌دهد. (۱۴)

در پایان این بهره می‌توان با یک دید یکپارچه و کلی قدر مشترکی از مدعاهای اصلی سازه‌انگاری در سیاست و روابط بین‌الملل را به قرار ذیل برشمرد:

- ۱- دولت‌ها، واحدهای اصلی تحلیلی و نظریه سیاسی بین‌المللی هستند؛
- ۲- ساختارهای کلیدی در نظام دولت - ملت بین‌دولتی هستند تا مادی؛
- ۳- هویت و منافع دولت، بخش‌های ساخته شده مهم بوسیله ساختارهای اجتماعی هستند تا اینکه در خارج از نظام سرشت انسانی یا سیاست‌های داخلی قرار داشته باشند (۱۵).

ب. مبانی سیستمیک گسترش ناتو: نظام امنیت همکاری جویانه

نظام امنیت همکاری جویانه، برای اولین بار در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی توسط سه استراتژیست آمریکایی تئوریزه گردید (۱۶) به نظر می‌رسد طرح نظام مذکور در چارچوب تکوین دیدگاه‌های نو واقع‌گرایانه و نولیبرالی در روابط بین‌الملل - و به تبع آن مطالعات امنیتی - قابل توجه باشد. این نظام خود مبتنی بر اصطلاح امنیت همکاری جویانه است. اصطلاح مذکور اغلب به معنای آن است که دولت‌ها به جهت حل مسائل مشترک خود با یکدیگر کار خواهند نمود. به نظر می‌رسد در وهله نخست، امنیت همکاری جویانه مرتبط با تهدیدات و چالش‌های غیردولتی می‌باشد (۱۷) دو گرایش عمده در نظام بین‌الملل منجر به اهمیت فزاینده اصطلاح امنیت همکاری جویانه گردیده است. این گرایش‌ها عبارتند از:

- ۱- کاهش چشمگیر در وقوع جنگ‌های بین دولتی؛
- ۲- تسریع در روند تغییر توزیع جهانی قدرت پس از پایان یافتن جنگ سرد که نتیجه آن ظهور ایالات متحده آمریکا به عنوان یک ابرقدرت جهانی و حمایت آن از نظم اقتصادی و سیاسی لیبرال بوده است؛

^۱ - Social Facts

آنچه که موجب پیوند میان دیدگاه سازه‌انگاری و نظام امنیت همکاری جویانه در ذهن نگارنده این سطور گردیده، بعد هنجاری روابط بین‌الملل - و به تبع آن مطالعات امنیتی - پس از جنگ سرد می‌باشد؛ چرا که نظام امنیت همکاری جویانه با در مرکز قرار دادن نظام لیبرال دموکراسی و تأکید بر نهادهای، جنبه هنجاری و ارزشی دیدگاه سازه‌انگاری را تأمین می‌نماید.

عموماً، هر نظام امنیت همکاری جویانه پیشرفته‌ای متضمن ویژگی‌های ذیل است:

۱- ساز و کارهای گزارش‌دهی و شفاف‌سازی به گونه‌ای که شرکا نسبت به تعهدات همکاری جویانه مجاب گردند؛

۲- بررسی‌های متقابل معمول به گونه‌ای که مراجع ذی صلاح بتوانند به جمع‌آوری اطلاعات جهت تصدیق یا تحقیق در مورد صحت و کامل بودن اطلاعات بپردازند؛

۳- مراجع ذی صلاح با داشتن اختیارات رسیدگی سرزده بتوانند درخواست اطلاعات اضافه نمایند، بازرسی‌ها را هدایت کنند و گام‌های دیگری در جهت آشکار ساختن موقعیت‌های مشکوک بردارند، و اگر لازم بود، مدارک مورد نیاز دائر بر اتخاذ یک واکنش موثر به دلیل عدم رضایت از موقعیت‌های مقتضی را فراهم آورند؛ (۱۸)

در کنار مطالب فوق باید خاطرنشان نمود که نظام امنیت همکاری جویانه چهار حلقه ذیل را در بر می‌گیرد:

۱- امنیت فردی؛^۱ که متضمن امنیت جانی، مالی و فکری افراد مستقر در حوزه نظام امنیت همکاری جویانه است؛

۲- امنیت دسته جمعی؛^۲ که هدف آن ایجاد صلح از طریق ابزارهای تنبیهی و اقناعی، و صلح‌آمیز است؛

۳- دفاع دسته جمعی؛^۳ که هدف آن حفاظت از اعضاء در مقابل تهدیدات خارجی بالفعل است؛

۴- ترویج ثبات؛^۴ که هدف آن جلوگیری از بی‌ثباتی در محیط‌های امنیتی مجاور با نظام امنیت همکاری

¹ - Individual Security

² - Collective Security

³ - Collective Defense

⁴ - Promoting Stability

جویانه است. (۱۹)

۲. گسترش ناتو

از دیدگاه سازه‌انگاری، ناتو، یک موجودیت اجتماعی است؛ بنابراین رمز بقا و پایداری آن وابسته به تکامل و تکوین آن در طی زمان می‌باشد. در واقع از این منظر، هویت ناتو در زمان حال با هویت آن در زمان گذشته متفاوت است؛ همچنانکه با هویت آن در زمان آینده نیز متفاوت خواهد بود. آنچه که در زمان حال و پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد هویت ناتو را به عنوان یک موجودیت اجتماعی مورد تهدید قرار می‌دهد منبعث از سه حوزه تمدنی اسلاویسم، اسلام، و کنفوسیائیسیم می‌باشد، چرا که هر یک از این سه محور - البته به زعم کارگزاران غربی - می‌توانند بصورت بالقوه هویت غرب و هنجارهای بین‌دذهنی پذیرفته شده در میان اعضاء این مجموعه را مورد تهدید قرار دهند. در واقع از این منظر است که گسترش و توسعه ناتو به سوی شرق معنا می‌یابد. بدین ترتیب اتحادیه ناتو توانسته است تا با توسل به نوعی فراقکنی^۱ و با توجه به خلأ هویتی بوجود آمده پس از جنگ سرد که خود نتیجه بحران معنا^۲ در عصر پساکمونیسیم است، موجودیت خود را در تقابل با دیگر موجودیت‌ها، باز تعریف نموده و معنا بخشد. (۲۰)

از سوی دیگر باید خاطر نشان نمود که توسعه و گسترش ناتو از سه منظر ذیل قابل ارزیابی و بررسی می‌باشد:

۱- افزایش اعضاء؛

۲- توسعه حوزه مسئولیت‌ها؛

- گسترش مأموریت‌ها؛

در خصوص مورد اول لازم به ذکر است که تا زمان حاضر، طی دو دوره عضوگیری در آوریل سالهای ۱۹۹۹ و ۲۰۰۴، کشورهای چک، لهستان، مجارستان، - دور اول -، و بلغارستان، استونی، لیتونی، لیتوانی، رومانی، اسلوانی، و اسلواکی، - دور دوم - به عضویت ناتو در آمده‌اند.

¹ - Projection

² - Meaning Crisis

در خصوص مورد دوم، یعنی توسعه حوزه مسئولیت‌ها، باید به مفهوم راهبردی نوین اتحادیه^۱ به عنوان یکی از مهمترین ابتکارات ناتو در دوره زمانی ما بعد جنگ سرد، اشاره نمود، این ابتکار که مصوب پنجاهمین نشست سران ناتو در آوریل ۱۹۹۹ در واشنگتن می‌باشد، با ارائه تهدیدات نوین امنیتی، کارکردهای امنیتی نوین ناتو را به تصویر می‌کشد. در واقع این کارکردهای نوین بازتابی از گسترش حوزه مسئولیت‌های ناتو هستند. زمینه‌های این توسعه کارکردی عبارتند از: بحران‌های منطقه‌ای،^۲ بی-ثباتی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، رقابت‌های قومی و مذهبی،^۳ تلاش‌های شکست خورده در جهت اصلاحات، نقض حقوق بشر، تنش‌های بحران‌زا، بلایا و مصائب انسانی، منازعات مسلحانه، تهدیدات سلاح‌های هسته‌ای، تولید و تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و انتقال فناوری و امکانات لازم جهت ساختن اینگونه تسلیحات، تروریسم، جرائم سازمان یافته و خرابکارانه،^۴ اختلال در جریان منابع حیاتی، و تبعات و پیامدهای سوء ناشی از موج کنترل نشده مهاجرت و پناهندگان (۲۱).

و اما در خصوص مورد سوم یعنی گسترش مأموریت‌ها، می‌توان با توجه به موارد برشمرده شده فوق پیرامون گسترش حوزه مسئولیت‌های ناتو به مأموریت‌های مرتبطی به قرار ذیل اشاره نمود:

- مداخله نظامی^۵ به منظور مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- اعمال فشار دسته جمعی^۶؛
- مداخله با هدف حمایت از دموکراسی و حقوق بشر؛
- مشارکت در عملیات صلح‌سازی و صلح‌بانی در جریان منازعات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و ترتیبات مربوط به حل و فصل آنها؛
- مشارکت در فرآیند دولت - ملت‌سازی^۷؛

¹ - The Alliance's New Strategic Concept

² - Regional Crises

³ - Ethnic and Religious Rivalries

⁴ - Sabotage and Organized Crimes

⁵ - Military Intervention

⁶ - Collective Enforcement

⁷ - Nation - State Building

- پیگیری دیپلماسی بازدارنده^۱ به منظور جلوگیری از بحرانی شدن تعارضات منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- نظارت بر اعمال تحریم‌های نظامی^۲ و محاصره اقتصادی^۳ علیه نیروهای متجاوز؛
- بازرسی هسته‌ای^۴؛
- کنترل و نظارت تسلیحاتی^۵؛
- مبارزه با تروریسم و جرایم سازمان یافته؛
- ارائه برنامه‌های آموزشی و تربیت^۶ نیروهای نظامی؛
- ارائه سرویس‌های حفاظتی^۷؛
- کاهش خسارت‌های ناشی از بلایا و مصائب طبیعی؛
- ارائه کمک‌های بشردوستانه^۸. (۲۲)

در کنار کلیه مؤیدات فوق در خصوص گسترش ناتو می‌توان به یکی از مهمترین استنتاجات نظری سازه‌انگاران که همانا رویکرد آنان به ناتو - به عنوان یک مطالعه موردی - است، اشاره نمود. از دید آنها، اولاً مفهوم تهدید عینی باطل است، چرا که برداشت از تهدید برخاسته از ساختار شبه عینی قدرت در نظام بین‌المللی نیست بلکه بازیگران از روی ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر فرآیندهای سیاسی داخلی که به هویت شرکای خود در نظام بین‌المللی شکل می‌بخشد، رفتار خارجی آنها را استنباط می‌کنند. (۲۳)

ثانیاً، اتحادیه‌ها براساس ارزش‌های مشترک شکل می‌گیرند. از این نظر، اتحادیه غرب نمایانگر شکل نهادینه اشتراک امنیتی جوامع دو سوی اقیانوس اطلس است که خود بر ارزش‌های مشترک پایه می‌گیرد. و ثالثاً، این شکل نهادینه ارزش‌های مشترک، در برابر تغییرات سیاسی مقاوم است زیرا تشکیل

¹ - Preventive Diplomacy

² - Military Sanctions

³ - Economic Blockade

⁴ - Nuclear Inspection

⁵ - Arms Supervision

⁶ - Train and Equip Programs

⁷ - Protective Services

⁸ - Humanitarian Assistancess

نهادهای تازه‌ای در زمینه همکاری امنیتی دشوارتر است از اینکه سازمانی را که پیشاپیش وجود دارد و در برگیرنده مجموعه پرداخت یافته‌ای از مقررات و آیین‌های تصمیم‌گیری است با شرایط جدید سازگار سازیم. (۲۴)

همچنان که در ابتدای این بهره‌بدان اشاره گردید تهدیدات منبعث از سه حوزه تمدنی - فرهنگی اسلاوی، اسلامی و کنفوسیوسی هویت غربی را به چالش می‌طلبند. بدین جهت است که ناتو در تکوین روند گسترش و توسعه خود به سوی شرق حوزه مسئولیت‌ها و مأموریت‌های خود را به زیرمحویط‌های امنیتی منطقه‌ای مرتبط با حوزه‌های تمدنی - فرهنگی مذکور یعنی: شرق اروپا، شمال آفریقا، خاورمیانه و قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی بسط داده است. در این راستا، کارگزاران اتحادیه ناتو ساز و کارهای نوینی را جهت تحقق اهداف متنوع امنیتی، سیاسی و حتی اقتصادی خود فعال نموده‌اند. نگارنده در انتهای این بهره و به جهت پرهیز از اطالۀ کلام تنها به ذکر عنوان این ساز و کارها بسنده نموده و در موقع مقتضی خود به تشریح برخی از ساز و کارهای مذکور که مرتبط با محور قفقاز جنوبی - آسیای مرکزی می‌باشد، خواهد پرداخت. ساز و کارهای مورد نظر عبارتند از: شورای همکاری آتلانتیک شمالی^۱ و نهاد جایگزین آن، شورای مشارکت اروپا - آتلانتیک؛^۲ طرح مشارکت برای صلح؛^۳ شورای مشترک دائم ناتو - روسیه؛^۴ کمیسیون مشترک ناتو - اوکراین؛^۵ گفتگوی مدیترانه‌ای؛^۶ طرح اقدام به عضویت؛^۷ نیروی واکنشی ناتو؛^۸ طرح کوشش فعال؛^۹ و طرح اقدام به مشارکت انفرادی.^{۱۰}

¹ - North Atlantic Cooperation Council (NACC)

² - Euro - Atlantic Partnership Council (EAPC)

³ - Partnership for Peace (PFP)

⁴ - NATO - Russia Permanent Joint Council (PJC)

⁵ - NATO - Ukraine Join Commission

⁶ - Mediterranean Dialogue

⁷ - Membership Action Plan (MAP)

⁸ - NATO Response Force (NRF)

⁹ - Active Endeavourer

¹⁰ - Individual Partnership Action Plan (IPAP)

۳. مدل‌های امنیتی در محور قفقاز جنوبی - آسیای مرکزی

به جهت بازشناسی جایگاه اتحادیه ناتو در ترتیبات امنیتی محور قفقاز جنوبی - آسیای مرکزی ضروری است تا در ابتدا به مدل‌های امنیتی در دو منطقه قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی اشاره گردد. این مدل‌ها به شرح ذیلند:

الف. مدل‌های امنیتی در قفقاز جنوبی

(۱) مدل‌های منطقه‌ای

- مدل ۳ که ناظر بر همکاری‌های امنیتی سه جمهوری منطقه قفقاز جنوبی، یعنی آذربایجان، ارمنستان و گرجستان است.

- مدل ۳ + ۱ که ناظر به همکاری‌های امنیتی میان سه جمهوری منطقه قفقاز جنوبی از یک سو، و روسیه یا ترکیه از سوی دیگر است.

- مدل ۳ + ۲ که ناظر بر همکاری‌های امنیتی میان سه جمهوری منطقه قفقاز جنوبی از یک سو، و روسیه و ترکیه از سوی دیگر است.

(۲) مدل‌های فرامنطقه‌ای

- مدل ناپیوسته که ناظر بر همکاری‌های امنیتی سه جمهوری منطقه قفقاز جنوبی از یک سو و ایالات متحده آمریکا از سوی دیگر است.

- مدل پیوسته که ناظر بر همکاری‌های امنیتی سه جمهوری‌های منطقه قفقاز جنوبی از یک سو، و جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع^۱ یا اتحادیه ناتو از سوی دیگر است.

ب. مدل‌های امنیتی در آسیای مرکزی

(۱) مدل‌های منطقه‌ای

- مدل ۵ که ناظر بر همکاری‌های امنیتی پنج جمهوری منطقه آسیای مرکزی، یعنی ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان است.

- مدل ۱ + ۵، که ناظر بر همکاری‌های امنیتی پنج جمهوری منطقه آسیای مرکزی از یک سو، و روسیه یا چین از سوی دیگر است.

^۱ - Commonwealth Independent States (CIS)

◊ چرایی گسترش ناتو به محور آسیای مرکزی - قفقاز جنوبی پس از جنگ سرد —————

- مدل ۲ + ۵، که ناظر بر همکاری‌های امنیتی پنج جمهوری منطقه آسیای مرکزی از یک سو، و روسیه و چین از سوی دیگر است.

۲) مدل‌های فرامنطقه‌ای

- مدل ناپیوسته، که ناظر بر همکاری‌های امنیتی پنج جمهوری منطقه آسیای مرکزی از یک سو، و ایالات متحده از سوی دیگر است.

- مدل پیوسته، که ناظر بر همکاری‌های امنیتی پنج جمهوری منطقه آسیای مرکزی از یک سو، و جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع یا اتحادیه ناتو از سوی دیگر است.

همچنان که از مؤیدات فوق استنباط می‌گردد گسترش ناتو به محور قفقاز جنوبی - آسیای مرکزی تأمین کننده مدل امنیتی فرامنطقه‌ای پیوسته است.

۴. گسترش ناتو به محور قفقاز جنوبی - آسیای مرکزی

روند گسترش ناتو به محور قفقاز جنوبی - آسیای مرکزی حول سه محور ساز و کارهای نهادی، ساز و کارهای اجرایی و عملیاتی، و ساز و کارهای برنامه‌ریزی قابل ارزیابی و بررسی می‌باشد. نگارنده، سه محور فوق را به شرح ذیل ارائه می‌دهد:

الف. ساز و کارهای نهادی

۱) شورای همکاری آتلانتیک شمالی و شورای مشارکت اروپا - آتلانتیک

شورای همکاری آتلانتیک شمالی در دسامبر ۱۹۹۱ به جهت برقراری ارتباط مستمر میان اعضای ناتو و اعضای اسبق پیمان ورشو با هدف کنترل محورهای ائتلاف پیشین تأسیس شد. مهمترین وظیفه این نهاد، فراهم نمودن یک مجمع چندجانبه برای بحث و مذاکره در خصوص حفظ صلح بود. در واقع از این منظر نهاد مذکور به عنوان بازوی سیاسی ناتو بر تأمین امنیت از طریق همکاری و مذاکره تأکید نمود.

در می ۱۹۹۷، نهاد شورای مشارکت اروپا - آتلانتیک جایگزین نهاد شورای همکاری آتلانتیک شمالی شد. وظیفه این نهاد جایگزین، فراهم آوردن چارچوبی برای برقراری تماس میان وزرای خارجه دول عضو ناتو، دول درگیر در طرح مشارکت برای صلح و دیگر دول اروپایی و آسیایی می‌باشد. (۲۵)

در حال حاضر، شورای مشارکت اروپا - آتلانتیک ۴۹ عضو دارد. تا پایان سال ۲۰۰۲، هر سه جمهوری قفقاز جنوبی و هر پنج جمهوری آسیای مرکزی به عضویت این نهاد در آمدند.

اهداف کلی این نهاد در محور قفقاز جنوبی - آسیای مرکزی را می‌توان در قالب موارد ذیل بر شمرد:

۱- مبادله اطلاعات میان کشورهای هم‌پیمان؛

۲- مبادله تجربیات ملی در مورد مبارزه علیه تروریسم؛

۳- مبادله اطلاعات در مورد قاچاق و حمل و نقل غیرقانونی سلاح‌های سبک؛

۴- مبادله تجربیات مربوط به امنیت مرزی؛

۵- مشارکت اطلاعاتی راجع به انهدام سلاح‌های کشتار جمعی؛

۶- اجرای تعهد «روند برنامه‌ریزی و مطالعه»،^۱ (۲۶)

همچنانکه از موارد فوق استنباط می‌گردد، شورای مشارکت اروپا - آتلانتیک، ارائه دهنده چارچوب-های ضروری همکاری جویانه برای جمهوری‌های محور قفقاز جنوبی - آسیای مرکزی به جهت مشارکت در ترتیبات امنیتی وابسته به ناتو می‌باشد.

۲) طرح مشارکت برای صلح

طرح مشارکت برای صلح در ژانویه ۱۹۹۳ و به ابتکار ایالات متحده آمریکا ارائه گردید. این طرح ساز و کاری است که بر مبنای آن دول غیرعضو ناتو به توسعه همکاری‌های نظامی و دفاعی - به صورت قراردادهای دوجانبه میان ناتو و هر یک از دول غیر عضو که علاقه‌مند به همکاری با ناتو هستند - ترغیب می‌گردند. طرح مذکور، دول عضو ناتو را متعهد می‌سازد تا در خصوص برنامه‌ریزی، آموزش و تمرینات نظامی به سایر دولت‌هایی که به این طرح می‌پیوندند، کمک نمایند. حتی در صورتی که امنیت ملی، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی آنها مورد مخاطره قرار گیرد می‌توانند از حق مشورت با ناتو برخوردار شوند. (۲۷)

هدف از ارائه این طرح، توسعه ناتو بدون منزوی کردن روسیه و کاهش نقش میانجی‌گرانه آن در

CIS بوده است. (۲۸)

این طرح برنامه‌ای عملی بود که در ورای گفتگو، مذاکره، همکاری، روابط نظامی را به خصوص در

^۱ - Planning and Review Process (PARP)

زمینه صلح‌بانی ترغیب می‌نمود. (۲۹)

در خصوص این طرح دو برداشت عمده وجود داشته است، اول آنکه طرح مذکور مرحله اول عضویت در ناتو است، و دوم آنکه این طرح چارچوبی جهت استفاده از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های ناتو در امور نظامی و آموزشی است. (۳۰)

اهداف کلی ناتو در ارائه طرح مشارکت برای صلح در خصوص جمهوری‌های محور قفقاز جنوبی -

آسیای مرکزی به قرار ذیل است:

۱- درگیر نمودن جمهوری‌ها در امور و مسائل امنیتی اروپا؛

۲- مبادله اطلاعات و توسعه همکاری نظامی؛

۳- ایجاد زمینه‌ای جهت انجام عملیات حفظ صلح در مواقع بروز بحران؛

۴- تحکیم ثبات منطقه در جهت اهداف و منافع غرب، (۳۱)

همچنین در راستای مؤیدات فوق باید خاطر نشان نمود که دول عضو محور قفقاز جنوبی - آسیای

مرکزی اهداف ذیل را از پیوستن به طرح مذکور دنبال می‌نمودند:

۱- کاهش وابستگی نظامی به روسیه؛

۲- نوسازی امکانات و تجهیزات نظامی کشورها و تقویت حاکمیت ملی. (۳۲)

نکته حائز اهمیت آن است که ایالات متحده آمریکا در پوشش طرح روح مشارکت برای صلح^۱ توانست کمک‌های ملی خود را به کشورهای محور قفقاز جنوبی - آسیای مرکزی ارائه دهد. (۳۳) از این نظر این شائبه در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ قوت گرفت که آیا مانورهای نظامی انجام گرفته در منطقه آسیای مرکزی، در چارچوب طرح مشارکت برای صلح بوده، یا آنکه ایالات متحده با استفاده از امکانات ناتو مانورهای مذکور را با برخی از جمهوری‌های منطقه انجام داده است.

به نظر می‌رسد که جمهوری‌های قفقاز جنوبی رغبت بیشتری نسبت به جمهوری‌های آسیای مرکزی به طرح مشارکت به صلح داشته‌اند. در واقع جمهوری‌های آذربایجان و گرجستان بطور ویژه از امکانات طرح مذکور جهت آماده‌سازی خود برای شرکت در عملیات صلح‌بانی در کوزوو استفاده نمودند. در همین راستا است که رهبران جمهوری‌های مذکور تمایل خود به عضویت در ناتو در بعد از سال

^۱ - Sprit of PIP

۲۰۰۵ را اعلام نمودند (۳۴)

در پایان باید متذکر شد که طرح مشارکت برای صلح ناتو به همراه سه جمهوری قفقاز جنوبی و پنج جمهوری آسیای مرکزی، در کل، ۵۱ عضو دارد.

۳) طرح اقدام به مشارکت انفرادی

این طرح که بعد از نشست سران ناتو در پراگ در سال ۲۰۰۲ ارائه گردید متضمن حمایت ناتو از کشورهایی است که خواهان تعمیق مناسبات خود با اتحادیه بوده و از اراده و توانایی سیاسی لازم جهت این امر برخوردارند. طرح مذکور بیانگر نوعی گفتگوی سیاسی شدت یافته میان طرف‌های آن بوده و این مقوله‌های عمومی را در بر می‌گیرد: مسایل سیاسی و امنیتی؛ امور دفاعی؛ مسائل نظامی و امنیتی؛ اطلاعات عمومی؛ علم و محیط زیست؛ برنامه‌ریزی اضطراری غیرنظامی؛ امنیت محافظت کننده؛ و مسائل منابع. (۳۵)

هدف ناتو از ارائه این طرح، اصلاحات دفاعی و سیاسی مشارکت کنندگان بوده و همکاری‌های سیاسی در این امور را تسریع می‌کند؛ مشاوره کارشناسی؛ آموزش افسران؛ و مشارکت در عملیات ناتو. (۳۶)

تا می سال ۲۰۰۶، هر سه جمهوری قفقاز جنوبی یعنی گرجستان، آذربایجان و ارمنستان به ترتیب در اکتبر ۲۰۰۴، می ۲۰۰۷، و دسامبر ۲۰۰۵ به عضویت این طرح در آمده، و از میان پنج جمهوری آسیای مرکزی تنها قزاقستان در ژانویه ۲۰۰۶ به عضویت طرح مذکور در آمده است.

۴) نمایندگی ویژه ناتو در قفقاز و آسیای مرکزی

دبیرکل فعلی ناتو، پاپ د هوپ شفر^۱ در سال ۲۰۰۴، نماینده ویژه‌ای را در امور آسیای مرکزی و قفقاز منصوب نموده است. این نماینده نقشی قابل توجه در پیشرفت مناسبات ناتو با این دو منطقه به لحاظ راهبردی مهم، ایفا می‌نماید. در این ارتباط می‌توان وظایف این نماینده ویژه را به قرار ذیل بر شمرد:

- برقراری تماس کاری در سطح بالا جهت حمایت از اهداف ناتو در مناطق مذکور؛
- ارائه پیشنهادهای مشورتی در خصوص ابزار مشارکت مناسب برای اعضاء طرح مشارکت برای صلح

^۱ - Jaap de Hoop Sheffer

به جهت بالا برای میزان همکاری‌های این اعضاء با ناتو (۳۷) نقش دیگر این نماینده، تنظیم ملاقات‌ها از مناطق مذکور و ارائه آگاهی‌های عمومی به حکومت‌های این مناطق در خصوص خدمات مثبت ناتو در اموری چون امنیت منطقه‌ای می‌باشد.

ب. ساز و کارهای عملیاتی و اجرایی

ساز و کارهای عملیاتی و اجرایی ناتو در محور قفقاز جنوبی طیف وسیع و متنوعی از فعالیت‌ها را در بر می‌گیرد. در این میان به نظر می‌رسد که رهبران جمهوری‌های قفقاز جنوبی - به ویژه آذربایجان و گرجستان - تمایل بیشتری در مقایسه با رهبران جمهوری‌های آسیای مرکزی در خصوص مشارکت‌های عملیاتی و اجرایی با ناتو دارند. در این راستا می‌توان اینگونه استدلال نمود که نخبگان جمهوری‌های آذربایجان و گرجستان خواهان پیاده شدن مدل بالکان با توجه به مداخله ناتو هستند تا از این طریق امنیت خود را تأمین نموده و از مداخله احتمالی روسیه که از دید آنان مخرب نیز می‌باشد در امان بمانند. در این راستا است که آذربایجان پیشنهاد حفاظت از خطوط لوله باکو - جیحان - تفلیس را به ناتو ارائه داده و گرجستان نیز خواهان اعزام نیروهای حافظ صلح ناتو به جمهوری آبخازیا واقع در خاک این کشور بوده است. (۳۸)

از سوی دیگر باید خاطرنشان نمود که در این راستا، کارگزاران ناتو نیز نسبت به تعمیق مشارکت عملیاتی و اجرایی اتحادیه با جمهوری‌های مذکور چندان بی‌علاقه نیستند. صرف نظر از مقوله‌هایی چون امنیت انرژی و امنیت منطقه‌ای، باید خاطرنشان ساخت که با توجه به پیچیدگی‌های استفاده از حریم هوایی ایران و روسیه تنها راه انتقال نیروهای نظامی ناتو و متحدین به افغانستان و آسیای مرکزی جهت مبارزه با تروریسم، جمهوری‌های آذربایجان و گرجستان می‌باشد.

این امر اهمیت جغرافیایی - راهبردی منطقه قفقاز جنوبی را بیش از پیش برای کارگزاران اتحادیه پررنگ می‌نماید. البته، در مقابل این خدمت، نخبگان سیاسی جمهوری‌های آذربایجان و گرجستان توقع دارند تا بخشی کوچک از نیروهای نظامی خود را در قالب نیروهای حافظ صلح ناتو به بالکان، افغانستان و عراق اعزام دارند. (۳۹)

در ادامه این بهره به برخی از مهمترین مصادیق ساز و کارهای عملیاتی و اجرایی ناتو در محور قفقاز

چرایی گسترش ناتو به محور آسیای مرکزی - قفقاز جنوبی پس از جنگ سرد ◇

جنوبی - آسیای مرکزی به شرح ذیل پرداخته می‌شود:

- اعزام نیروهای آذربایجان به افغانستان و همچنین کوزوو - در قالب نیروهای ترکیه - به جهت شرکت در عملیات حفظ صلح؛

- آماده‌سازی فرودگاه‌های شهرهای کوردامیر، حاجی قبول و گنجه براساس استانداردهای ناتو جهت استقرار نیروهای نظامی این اتحادیه؛

- عضویت گرجستان در برنامه آسمان باز^۱ ناتو؛

- کمک به گرجستان در امر آموزش زبان انگلیسی به نظامیان این کشور؛

- مشارکت در تدوین راهبرد دفاعی گرجستان از طریق شورای رایزنی بین‌المللی؛

- کمک به گرجستان در خصوص دفن زباله‌های اتمی باقیمانده از قبل در این کشور؛

- امضای یادداشت غیررسمی همکاری لجستیکی با گرجستان؛

- ارائه برنامه تعلیم و تربیت نیروهای نظامی گرجستان به جهت حرفه‌ای ساختن ارتش این کشور؛

- اعزام نیروهای گرجستان به عملیات حفظ صلح در کوزوو؛

- ترانزیت نیروها و پرسنل نظامی ناتو از طریق گرجستان به افغانستان؛

- آموزش نظامی، نظارت مردمی بر نیروهای مسلح، و تدوین سیاست و راهبرد امور دفاعی ارمنستان؛

- عملیات جستجو و نجات جهت حفاظت افراد از آسیب حوادث طبیعی - نظیر زلزله - در فرغانه^۲ ازبکستان؛

- تشکیل نیروی واکنش سریع آسیای مرکزی در یکی از پایگاه‌های هوایی قرقیزستان موسوم به

کانت؛^۳ (۴۰)

پ. ساز و کارهای برنامه‌ریزی

ساز و کارهای برنامه‌ریزی ناتو طیف محدودتری از اقدامات ناتو در محور قفقاز جنوبی - آسیای

^۱ - Open Sky

^۲ - Ferghana

^۳ - Kant

مرکزی را در بر می‌گیرد. در این راستا، اولین ساز و کار مورد توجه، برنامه «جاده ابریشم مجازی»^۱ است که در سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ کامل گردید. هدف از اجرای این برنامه، استفاده موثر دانشمندان و دانشگاهیان جمهوری‌های مناطق قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی از اینترنت و مبادله کالا و دانش از این رهگذر می‌باشد. (۴۱)

و اما ساز و کار برنامه‌ریزی دیگر، برنامه پژوهش و توسعه^۲ بوده که خود زیر مجموعه برنامه علم برای صلح^۳ است. برنامه مذکور که هر دو منطقه قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی را در بر می‌گیرد در سال ۲۰۰۴ بعد از نشست سران ناتو در استانبول ترکیه به اجرا در آمده است. این طرح سه بخش ذیل را شامل می‌شود:

- ۱- نظارت بر کیفیت و کمیت آب‌های رودخانه‌های فرامرزی و زیرساخت‌های مربوط به آن در قفقاز جنوبی با کمک دانشمندان سه جمهوری قفقاز؛
- ۲- تجزیه و تحلیل چند منظوره اکوسیستم خزر به جهت بهبود تحلیل این اکوسیستم از طریق جمع-آوری اطلاعات و ارائه یک نظریه کارشناسانه بر یک مبنای منطقه‌ای؛
- ۳- تحقیق از موقعیت رادیولوژیکی منطقه سارژال^۴ در خصوص پایگاه آزمایش هسته‌ای سمی پالاتینسک^۵ در قزاقستان. (۴۲)

نتیجه‌گیری

با فروپاشی شوروی و پایان یافتن جنگ سرد، اتحادیه ناتو به تنها اتحادیه سیاسی - نظامی پایدار نظام نوین بین‌المللی تبدیل، استحاله یافت. در این راستا باید خاطر نشان نمود از آنجا که تحولات مذکور، مبین غلبه ضمنی اردوگاه غرب بوده، بنابراین اتحادیه ناتو در دوره زمانی مابعد جنگ سرد نیازمند

¹ - Virtual Silk Highway

² - Research and Development

³ - Science for Peace (SfP)

⁴ - Sarzhal

⁵ - Semipalatinsk

گسترش خود بوده است. از این نظر ناتو ضامن حفظ و بازسازی هویت غرب و ارزش‌ها و هنجارهای بصورت بین‌دولتی پذیرفته شده در میان اعضاء آن است. ارزش‌ها و هنجارهای مورد نظر مواردی چون نظام لیبرال دموکراسی، بازار آزاد، و حقوق بشر می‌باشد. در این میان دیگر هویت‌ها چون هویت اسلاو، هویت اسلامی و هویت کنفیوسی می‌تواند ارزش‌ها و هنجارهای هویت غربی را به چالش کشیده و مورد تهدید قرار دهند. در این راستا خرده نظام‌های منطقه‌ای مرتبط با حوزه‌های تمدنی - فرهنگی عنوان شده چون: اروپای شرقی، شمال آفریقا، خاورمیانه و محور قفقاز جنوبی - آسیای مرکزی بصورت بالقوه منابع عمده چالش‌ها و تهدیدات مذکور قلمداد می‌گردند. از سوی دیگر لازم به ذکر است که اتحادیه ناتو به عنوان یک نظام امنیتی همکاری جویانه وارد فاز چهارم حلقه‌های امنیتی گردیده است. از این نظر ناتو ضمن تحقق امنیت فردی، امنیت دسته جمعی و دفاع دسته جمعی به ترویج ثبات در زیر محیط‌های امنیتی مجاور ناتو روی آورده است. بدین ترتیب دلیل عمده گسترش ناتو به سوی شرق در دوره زمانی ما بعد جنگ سرد ترویج ثبات در راستای حفظ ارزش‌ها و هنجارهای بصورت بین‌دولتی پذیرفته شده اعضا اتحادیه در زیر محیط‌های امنیتی مجاور - از جمله محور قفقاز جنوبی - آسیای مرکزی - می‌باشد. از این رهگذر می‌توان به عمده‌ترین اهداف امنیتی ناتو از گسترش به محور قفقاز جنوبی - آسیای مرکزی و - البته افغانستان - به قرار ذیل اشاره نمود:

- کنترل و مهار روسیه، چین، و ایران؛
- کنترل، مهار و مقابله با جریان‌های اسلامی محارب غرب؛
- کنترل و تضمین انتقال منابع انرژی - نفت و گاز - به غرب و پیوستگی حوزه انرژی شمال - قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی - و حوزه انرژی جنوب - خلیج فارس - از این رهگذر؛
- پیوستگی دو سوی خزر؛
- مبارزه با تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی؛
- مبارزه با جرائم سازمان یافته و اقدامات خرابکارانه در زمینه‌هایی چون کاربرد و انتقال سلاح‌های سبک و قاچاق مواد مخدر؛
- اجرای عملیات جستجو و نجات و سایر مساعدت‌های انسان‌دوستانه؛
- تکمیل روند ملت‌سازی در افغانستان؛

- نظارت بر اصلاحات دموکراتیک در جمهوری‌های محور قفقاز جنوبی - آسیای مرکزی؛
با توجه به مؤیدات فوق‌الذکر بیهوده نیست که در بیانیه پایانی نشست سران ناتو در سال ۲۰۰۴ در استانبول، در خصوص محور قفقاز جنوبی - آسیای مرکزی از عبارت «مرکز توجه ویژه»^۱ استفاده شده است.

در ابتدای این مقاله این پرسش طرح شد که چرا ناتو پس از پایان یافتن جنگ سرد به حوزه آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی گسترش یافت؟ حال در پایان این مقاله و در مقام جمع‌بندی می‌توان به پرسش مذکور پاسخ گفت. بر این اساس همچنان که از دیدگاه سازه‌نگاری می‌توان نتیجه گرفت، ناتو به عنوان یک اتحادیه سیاسی و نظامی در فضای امنیتی پس از جنگ سرد در جهت حفظ هویت خود سازوکارهایی را ایجاد کرد که توسعه حوزه جغرافیایی و کارکردی آن را ایجاب می‌کردند. این فرایند به لحاظ سیستمیک در قالب نظام امنیت همکاری‌جویانه قابل توضیح است به این معنا که حفظ موجودیت و هویت ناتو پس از جنگ سرد چنین ایجاب کرد که اتحادیه به پیشبرد ثبات در محیط‌های امنیتی مجاور با حوزه اروپا - آتلانتیک بپردازد. محور آسیای مرکزی - قفقاز جنوبی با توجه به تهدیدات منبعث از آن، چون تروریسم، از جمله این محیط‌های امنیتی است. بنابراین علت گسترش ناتو به محور آسیای مرکزی - قفقاز جنوبی پیشبرد ثبات در جهت حفظ موجودیت اتحادیه است.

¹ - Special Focus

منابع

- ۱- حمیرا مشیرزاده، *تحول در نظریه های روابط بین الملل* (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴)، ص ۳۲۴.
- ۲- ناصر هادیان، «سازه انگاری از روابط بین الملل»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال هفدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۲، ص ۹۱۸.
- ۳- کرافت استوات و تریف نزی، «چرخش به سوی پوزیتیویسم»، ترجمه علیرضا طیب، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۱، ص ۳۷۲.
- ۴- حمیرا مشیرزاده، «گفتگوی تمدن ها از منظر سازه انگاری»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۹۳، بهار ۱۳۸۳، ص ۱۱۸.
- ۵- سید عبدالعلی قوام، «سازه انگاری: سنتز بین پوزیتیویسم و پست پوزیتیویسم»، *دانشنامه حقوق و سیاست*، سال اول، شماره دوم، بهار ۱۳۸۴، ص ۵.
- ۶- حمیرا مشیرزاده، «سازه انگاری به عنوان فرانظریه روابط بین الملل»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۶۵، پاییز ۱۳۸۳، صص ۱۷۶-۱۷۵.
- ۷- مشیرزاده، *پیشین، تحول در نظریه های روابط بین الملل*، ص ۳۳۲.
- ۸- دیوید مارش و جری استوکر، *نظریه در علوم سیاسی* ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، چاپ دوم، تهران انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۵.
- ۹- حمیرا مشیرزاده، *پیشین*، «سازه انگاری به عنوان فرانظریه روابط بین الملل»، ص ۱۷۸.
- 10- Cynthia Weber, *International Relation Theory: A Critical Introduction* (London: Rutledge, 2002), P.60.
- ۱۱- علیرضا ازغندی، «سازه انگاری: چارچوبی تئوریک بری فهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *دانشنامه حقوق و سیاست*، سال اول، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۳، ص ۲۴.
- 12- Shapcott Rechard, "Practical Reasoning: Constructivism, Critical Theory and English School", *Paper Prepared for the 4th Pan European Conference* Canterbury University of Kent, September 2001, P. 5, at:

<http://www.leeds.ac.uk>

13- Waever Ole, "The English School Contribution to the Study of International Relations", *Prepared for the Panel: A Reconsideration of the English School: Close or Reconvene? At the 24th Annual conference of the British International Studies Association*, Manchester Conference Center, December 1999, P. 4, at: <http://www.leeds.ac.uk>

۱۴- امانوئل آدلر، «سازنده گرایي در سياست خارجي»، ترجمه هوشنگ راسخي، *فصلنامه سياست خارجي*، سال يازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۶، ص ۱۱۶۲.

15- Zehfuss Maja, *Constructivism in International Relation, The Politics of Reality* (Cambridge: Cambridge University Press, 2002), P. 39.

۱۶- علي عبدالله خاني، *نظريه هاي امنيت مقدمه اي براي طرح ريزي دكترين امنيت ملي* (تهران: انتشارات موسسه فرهنگي مطالعات و تحقيقات بين المللي ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳)، ص ۴۰۱.

17- Mihalka Michael, "Cooperative Security in 21th Century", *International Security*, winter 2005, PP. 113-114.

18- Gallgher Nancy, "Verification and Advanced Cooperative Security", *Verification Yearbook*, 2002, P. 247.

۱۹- عبدالله خاني، *پيشين*، صص ۴۱۶-۴۱۱.

۲۰- سيد علي منوري، *گسترش ناتو به شرق و تاثير آن بر امنيت ملي جمهوري اسلامي ايران* (تهران: انتشارات موسسه فرهنگي و مطالعات و تحقيقات بين المللي ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴)، ص ۱۸۶.

۲۱- عين اله اعظمي، «ناتو سيستم امنيت دسته جمعي و تحولات آن پس از جنگ سرد»، *فصلنامه سياست خارجي*، سال شانزدهم، شماره سوم، پاييز ۱۳۸۱، صص ۷۵۷-۷۵۶.

◇ ۱۵۶ فصلنامه تخصصي علوم سياسي / شماره هجدهم / بهار ۱۳۹۱

- ۲۲- منوری، پیشین، صص ۸۶-۶۸.
- ۲۳- همر کریستوفر و پیتر کتزنتساین، «هویت جمعی منطقه گرای و خاستگاه های چند جانبه گرای»، ترجمه مالک ذالقدر، در: کتاب آسیا ویژه مسائل امنیتی شرق آسیا ابرار معاصر (تهران: موسسه ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۲)، صص ۸۰-۷۹.
- ۲۴- تری تریفت و دیگران، *مطالعات امنیتی نوین*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی (تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳)، صص ۲۱۹-۲۱۸.
- ۲۵- راین بتی و راشل براسنون، «نشانه های مهم ناتو در قفقاز و آسیای مرکزی»، ترجمه شهرام فرسایی، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال نهم، دوره سوم، شماره ۳۳، بهار ۱۳۸۰، صص ۱۱۸.
- ۲۶- روی آلیسون، «امنیت منطقه ای و همکاری های دفاعی در آسیای مرکزی»، ترجمه کاوه عقدایی، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال دوازدهم، دوره سوم، شماره ۴۴، زمستان ۱۳۸۲، صص ۸۴.
- ۲۷- بتی و براسنون، پیشین، صص ۱۱۳.
- ۲۸- روی آلیسون و لنا جانسن، *امنیت در آسیای مرکزی چارچوب نوین بین المللی*، ترجمه محمد رضا دبیری (تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲)، صص ۳۱۷.
- ۲۹- جلیل روشندل، «گسترش ناتو به سمت شرق و تعیین حوزه های نفوذ یا تامین امنیت؟»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال پنجم، دوره دوم، بهار ۱۳۷۷، صص ۱۱۳.
- ۳۰- بتی و براسنون، پیشین، صص ۱۱۳.
- ۳۱- حبیب اله شیرازی و محمدرضا مجیدی، *سیاست و حکومت در آسیای مرکزی* (تهران: انتشارات قومس، ۱۳۸۲)، صص ۳۲۴.
- ۳۲- همان، صص ۳۲۵.
- ۳۳- بتی و براسنون، پیشین، صص ۱۱۴.
- ۳۴- موسی الرضا وحیدی، «گوم و سپس: چالش ها و فرصت ها فراروی سیاست خارجی روسیه»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال نهم، دوره سوم، شماره ۳۳، بهار ۱۳۸۰، صص ۹۸.

35- "Individual Partnership Action Plans", *NATO Topics*, March 2007, at: <http://www.nato.int>

36- NATO and South Caucasus Partners Intensity Cooperation", *NATO Update*, January 2006, at: <http://www.nato.int>.

37- NATO Announces Special Representative for Caucasus and Central Asia", *NATO Press Release*, Sep 2004, at: <http://www.nato.int>

۳۸- ابراهیم مشفق فر، تحولات نظامی قفقاز جنوبی و نقش قدرت های منتقه ای و فرا منطقه ای، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال سیزدهم، دوره چهارم، شماره ۴۶، تابستان ۱۳۸۳، صص ۵۸-۵۹

۳۹- اسوانته کورنل و فردریک استار، «منافع اروپا در قفقاز»، ترجمه سعیده موسوی، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال پانزدهم، دوره چهارم، شماره ۵۴، تابستان ۱۳۸۵، صص ۲-۱.

۴۰- منوری، پیشین، صص ۳۳۱ و ۲۱۴-۲۱۱.

41- "Building the Virtual Silk Highway", *NATO Review*, Spring 2002, at: <http://www.nato.int>

42- "Responding to NATO Priorities", *NATO Science for Peace and Security*, October 2006, at: <http://www.nato.int>